

ترور و تروریسم از دیدگاه فقه امامیه (کتاب)

نویسنده: محمود صادقی

• چکیده

ترور و تروریسم از دیدگاه فقه امامیه نوشته مرتضی ابریان شاهرودی در چهار فصل به بررسی ترور و تروریسم از منظر فقه امامیه می‌پردازد.

نویسنده کتاب با پیگیری واژه‌هایی در متون دینی که ممکن است برای اعمال تروریستی مورد استناد قرار گیرند، به نقد برداشت‌های نادرستی از این واژه‌ها می‌پردازد. او واژه‌هایی مانند «ارهاب» (ترساندن) را از منظر قرآنی توضیح داده و نشان می‌دهد که این واژه در معنای لغوی خود به کار رفته نه معنای اصطلاحی که امروزه رایج شده و هیچ‌گونه تأییدی بر ترور از آن در قرآن برداشت نمی‌شود. در ادامه، نویسنده به برخی واژه‌ها در روایات مانند «فتک» (غافلگیرانه کشتن) و «غیله» (فریب برای قتل) نیز اشاره می‌کند و با استناد به چند روایت معتقد است اسلام با این نوع قتل‌ها به شدت مخالف کرده است.

به باور نویسنده، در اسلام تعرض به مسلمانان کاملاً حرام است. او همچنین در مورد ترور کافران می‌گوید که تنها کافران در حال جنگ با مسلمانان خونشان محترم نیست، و در غیر این صورت، هرگونه اقدام تروریستی علیه آنها محکوم است. نویسنده جواز عملیات استشهادی را برای دفاع از جان، مال، ناموس و وطن تأیید کرده و آن را در برخی موارد واجب می‌داند. او می‌گوید که فقهای شیعه و اهل سنت در موارد خاص این نوع عملیات‌ها را جایز دانسته و آن را بهترین شکل دفاع از مسلمانان در برابر تجاوزات خارجی می‌دانند.

معرفی و ساختار کتاب

کتاب ترور و تروریسم از دیدگاه فقه امامیه نوشته مرتضی ابریان شاهرودی، در چهار فصل توسط انتشارات آوای چلچله به چاپ رسیده است. در فصل اول، نویسنده به مفهوم‌شناسی، انواع و ویژگی‌های ترور و تروریسم می‌پردازد (ص ۹-۲۰). فصل دوم به ضرورت مبارزه با تروریسم (ص ۲۳) اختصاص دارد و تروریسم را ناقض حقوق بشر (ص ۲۳) و تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی (ص ۳۱) معرفی می‌کند. همچنین، بر لزوم اعمال حاکمیت دولت‌ها در مقابله با تروریسم تأکید کرده است (ص ۳۸-۴۲). او همچنین در این فصل به بررسی ریشه‌ها و عوامل ترور و تروریسم مانند تنگدستی، محرومیت (ص ۴۹)، اعتقادات و مذهب (ص ۵۰) و تعصبات قبیله‌ای و قومی (ص ۵۱) پرداخته است.

نویسنده در فصل سوم، به مبانی قرآنی (ص ۵۹) و روایی (ص ۶۵) ترور و همچنین احکام فقهی مرتبط با تروریسم (ص ۷۴) می‌پردازد و دلایل جواز عملیات استشهادی (ص ۹۹) را مطرح می‌کند. فصل چهارم به ارائه راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با تروریسم اختصاص دارد، از جمله تدوین منشور جهانی علیه تروریست‌ها (ص ۱۱۷)، مبارزه با تأمین مالی گروه‌های تروریستی (ص ۱۴۵) و حذف بازارهای جرم (ص ۱۶۱-۱۶۲).

ارزیابی کتاب

نویسنده کتاب علی‌رغم آنکه عنوان کتاب را ترور و تروریسم از دیدگاه فقه امامیه قرار داده؛ ولی بیشتر حجم کتاب به مباحث غیرفقهی اختصاص یافته است و فقط در فصل سوم به بررسی فقهی ترور و تروریسم می‌پردازد. همچنین در برخی موارد، به جای ارجاع به متون اصلی، از منابع با واسطه استفاده کرده است؛ به عنوان مثال، به جای استفاده از کتاب لغت صحاح جوهری، به یک کتاب فقهی معاصر استناد کرده (ص ۶۶) یا به جای کتاب وقعة الطف، به منبعی از قرن پانزدهم قمری ارجاع داده است (ص ۶۸). او در مواردی نیز پاورقی‌ها را بدون ذکر منبع آورده شده (ص ۷۳) و گاهی مطالبی بدون هیچ ارجاعی در پاورقی درج شده است (ص ۸۵).

واژگان مورد استناد برای تروریسم

نگارنده در فصل سوم به بررسی مفاهیم و واژگانی در متون دینی پرداخته که برخی افراد برای معرفی اسلام به عنوان دینی تروریستی و توجیه اقدامات خشونت‌آمیز خود به آن‌ها استناد کرده‌اند. او با ارائه دلایل متعدد این برداشت‌ها را رد می‌کند (ص ۵۹). یکی از این واژگان، کلمه «ارهاب» و مشتقات آن است که در آیات مختلفی از جمله آیه ۶۰ سوره انفال به کار رفته است (ص ۵۹-۶۳). به باور مؤلف، این واژه در قرآن به معنای لغوی خود یعنی خوف و ترس به کار رفته و با معنای اصطلاحی آن که امروزه رایج شده تفاوت دارد. به گفته او آنچه از واژه ارهاب در قرآن برداشت می‌شود، هیچ بار معنایی منفی ندارد (ص ۶۳). همچنین، در آیاتی مانند آیه ۱۵۱ سوره اعراف و آیه ۲۳ سوره مائده به صراحت با کشتار بدون دلیل شرعی مخالفت شده است؛ بنابراین، اسلام به هیچ وجه اعمال تروریستی را تأیید نمی‌کند (ص ۶۵).

شاهرودی به وجود واژگانی در روایات اشاره می‌کند که ممکن است برای توجیه اعمال تروریستی مورد استناد قرار گیرد. از جمله این واژگان، «قَتْلُک» به معنای غافلگیر کردن و کشتن شخص (ص ۶۶-۷۰) و «غیله» به معنای فریب دادن فرد است (ص ۷۰-۷۳). مؤلف با استناد به چندین روایت معتقد است که اسلام به شدت با قتل از طریق غافلگیری، فریبکاری و بدون دلیل شرعی مخالف است (ص ۷۴).

احکام تکلیفی ترور

شاهرودی در ادامه فصل سوم کتاب خود به بررسی احکام اقدامات تروریستی علیه مسلمانان و کافران پرداخته است (ص ۷۴).

ترور مسلمانان

به گفته نویسنده، اسلام جان مسلمانان را محترم دانسته و تعرض به آنان بدون دلیل شرعی را ممنوع کرده است (ص ۷۵). او به شبهه‌ای اشاره می‌کند که اگر اسلام با ترور مخالف است، چرا در برخی موارد دستور به قتل افرادی مهدورالدم داده شده است؟ (ص ۷۵-۷۶) نویسنده پاسخ می‌دهد که اقدامات تروریستی با کشتن مهدورالدم تفاوت دارد؛ زیرا مجازات مهدورالدم در اسلام با هدف حفظ نظام و مقابله با تخلفات آشکار، توسط معصومین (ع) یا حاکم عادل و در شرایط خاص وضع شده است. اما اقدامات تروریستی از روی ظلم و بدون دلیل شرعی انجام می‌شوند (ص ۷۶-۷۷).

شاهرودی تأکید می‌کند که اقدامات تروریستی شیعه و سنی علیه یکدیگر حرام است و باید از هر عملی که زمینه‌ساز جنگ میان آنها شود، اجتناب کرد (ص ۹۴). او به حادثه تروریستی در حرم امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده و بیان می‌کند که پس از این حادثه، برخی از فقهای وهابی فتاوایی درباره تخریب اماکن مقدس مانند حرم امام حسین (ع) صادر کردند که این فتاوا با مصلحت امت اسلامی (ص ۹۵) و احترام به اماکن مقدس که کفرآمیز نیستند (ص ۹۶) در تضاد است.

ترور کافران

نویسنده معتقد است کفاری که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و تحت حمایت دولت اسلامی قرار دارند، مانند اهل کتاب، جان، مال و ناموسشان محترم است و هیچ‌کس حق تعرض به آنان را ندارد؛ بنابراین عملیات تروریستی علیه آنها حرام است (ص ۷۹). اما کفاری که در حال جنگ با مسلمانان هستند، خونشان محترم نیست و می‌توان آنها را ترور کرد؛ البته زنان، کودکان، سالمندان و دیوانگان از این حکم مستثنا هستند. همچنین استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیز جایز نیست (ص ۸۰-۸۱).

به گفته نویسنده، کفاری که در کشورهای غیرمسلمان زندگی می‌کنند و با مسلمانان رابطه دوستانه دارند و در صلح هستند، تا زمانی که علیه اسلام اقدامی انجام ندهند، جانشان محترم است (ص ۸۲). سیره پیامبر (ص) نیز این موضوع را تأیید می‌کند؛ زیرا اصل پیامبر (ص) در مواجهه با کفار، صلح پایدار بود. ایشان با ارسال سفیر، آنان را به صلح و همزیستی دعوت می‌کردند (ص ۸۲-۸۳) و قراردادهایی منعقد می‌کردند که مانع تعرض به یکدیگر شود (ص ۸۴). آیاتی همچون آیه ۴ سوره نوبه و برخی روایات (ص ۸۵) نیز بر لزوم پایبندی به قراردادهای و پیمان‌نامه‌ها تأکید دارند.

احکام تکلیفی عملیات استشهادی

شاهرودی در پایان فصل سوم به دلایل جواز عملیات استشهادی پرداخته است. او بر این باور است که عملیات شهادت‌طلبانه با اقدامات تروریستی تفاوت اساسی دارد (ص ۹۹)، زیرا این نوع عملیات‌ها با هدف حفظ جان، مال، ناموس و وطن انجام می‌شوند، در حالی که اقدامات تروریستی برای تخریب اسلام و آسیب به جوامع بشری صورت می‌گیرند (ص ۱۰۰). به گفته او، اکثر فقهای معاصر شیعه و اهل سنت، عملیات استشهادی را جایز دانسته و در برخی موارد حتی واجب می‌دانند (ص ۹۹).

مؤلف تأکید دارد که بسیاری از فقهای شیعه دفاع از جان، مال، ناموس و وطن را مجاز شمرده و عملیات استشهادی را یکی از بهترین مصادیق این دفاع در برابر متجاوزین به سرزمین مسلمانان معرفی می‌کنند (ص ۱۰۱). این وظیفه بر همه مسلمانان واجب است و نیازی به اجازه امام معصوم (ع) ندارد (ص ۱۰۲). همچنین، گاهی تنها راه مقابله با دشمنان، انجام عملیات استشهادی است که این دلایل نیز جواز آن را اثبات می‌کند (ص ۱۰۳).